

رقابت واقعیت‌های انتخابی

دعوی‌اروایت‌ها در واشنگتن بر سر حمله آمریکا به ایران، بی‌حاصل است

استیون ای کوک

کارشناس ارشد خاورمیانه در
شورای روابط خارجی



همکاری دارم که اغلب استفاده خاصی از کلمات می‌کند. او بحث اخیر درباره میزان آسیب به سه مرکز هسته‌ای اصلی ایران در بمباران‌ها را «الیهانه» می‌خواند. قطعاً هم همین‌طور است، به‌خصوص از آنجا که بیشتر افراد درگیر در بحث، هیچ اطلاعاتی ندارند، به جز ادعای رئیس‌جمهور و گزارش آژانس اطلاعات دفاعی یا دی‌آی‌ای. رئیس‌جمهور دونالد ترامپ، چند ساعت بعد از برخورد بمب‌های ایالات متحده مدعی، مدعی «نابودی کامل» شد و گزارش دی‌آی‌ای که به سی‌ان‌ان درز داده شد، برعکس این را گفت.

اما این بحث‌های متقابل و تپی درباره وضعیت برنامه هسته‌ای ایران از چیزی که به نظر می‌آمد هم بدتر بود. مشکل آشکار این بود که شرکت‌کنندگان در این بحث، هیچ داده محکمی نداشتند اما این را هم که کنار بگذاریم، این بحث نشانه تمایلی ویران‌گر در جامعه سیاست خارجی بود که به قیمت نادیده گرفتن توضیحات مبتنی بر داده، روایت ارائه کنند. این جامعه را به شکل کلی می‌توان به عنوان رهبران منتخب، تحلیلگران سیاست خارجی و روزنامه‌نگاران تعریف کرد.

این تحلیل مبتنی بر روایت، در نهایت واقعیت‌هایی جداگانه برای افراد ایجاد می‌کند که تقریباً انکابی انحصاری بر جهان‌بینی آن‌ها دارد. چنین رویکردی، برای سیاست خارجی ایالات متحده مضر است. ایده‌ای بود که می‌گفت: «سیاست لب آب متوقف می‌شود». یعنی در ساحل و به عبارتی وقتی موضوع به مسائل خارج از مرزها می‌رسد! این ایده کهنه، به دهه ۱۹۴۰ برمی‌گردد و به سناتور آرتور وندنبرگ. این ایده امروز طوری استفاده می‌شود که ظرافت‌های موضع اصلی وندنبرگ را نادیده می‌گیرد. او بر اهمیت بحث در شکل‌دهی به وحدت هدف در امور خارجه تأکید داشت. وندنبرگ احتمالاً اگر واشنگتن امروز را می‌دید، مات و مبهوت می‌شد. در دنیایی که امروز در آن زیست می‌کنیم، نه بحثی در کار است و نه وحدتی. در نتیجه واشنگتن در معرض این خطر تعقیب سیاست‌هایی است که با چالش‌های دنیای واقعی پیش روی واشنگتن ناهماهنگ هستند.

درباره آسیبی که ایالات متحده به تأسیسات هسته‌ای ایران در اصفهان، فردو و نطنز زده، سردرگمی و سوءتفاهمی شدید وجود دارد و متهم اصلی این وضعیت نیز، البته ترامپ است. او ۲۱ ژوئن اعلام کرد تأسیسات هسته‌ای ایران نابود شده‌اند اما این ادعا و گزافه‌گویی خالص بود. این تاکتیکی است که ترامپ پای درس مرشدش، روی کوهن یاد گرفته: مهم نیست شرایط چیست. حرفی به مردم بزن که در خدمت منافع توست و آن قدر این را تکرار کن که واقعیت ساختگی تو، واقعیت آن‌ها شود.

اساساً هیچ امکان ندارد که حتی رئیس‌جمهور توانسته باشد به آن زودی وضعیت تأسیسات هسته‌ای ایران را بعد از عملیات بداند. تردیدی نیست که اومی دانست بمب‌ها به هدف خورده‌اند اما میزان آسیب در آن زمان، معلوم نبود. البته این فقدان اطلاعات هیچ وقت برای ترامپ مشکلی نبوده است.

بعد در گزارش دی‌آی‌ای از راه رسید. این گزارش می‌گفت حملات ایالات متحده برنامه هسته‌ای ایران را تنها چند ماه عقب انداخته‌اند. روزنامه‌نگاران، دبیران رسانه‌ها، کارشناسان سیاست خارجی و مخالفان سیاسی رئیس‌جمهور چنان روی این گزارش پریدند که انکار قطعی است. نبود. این درز اطلاعات، نتیجه‌گیری اولیه‌ای «با اطمینان کم» را نشان می‌داد و آن هم تنها از دی‌آی‌ای، نه کلیت جامعه اطلاعاتی.



آتش‌پس ایران و اسرائیل برقرار مانده و ایالات متحده از حملات بیشتر اجتناب کرده. بدترین سناریو هم هنوز محقق نشده، یعنی این سناریو که ایالات متحده دوباره گرفتار جنگی بی‌معنا در خاورمیانه شود در حالی که چین به اوج‌گیری بی‌مان‌ادامه می‌دهد. جی‌دی‌ونس، معاون اول رئیس‌جمهور آمریکا، این «دکترین جدید سیاست خارجی» را که بر «منافع آشکار ایالات متحده» متمرکز است و از «درگیری طولانی‌مدت» اجتناب می‌کند، تحسین کرد.

با این حال، گرچه به نظر می‌رسد تعادلی که ترامپ بین مداخله و خودداری شروع کرده، همچنان جواب داده است، باید متوجه محدودیت‌های رویکرد جکسونی به دنیا هم باشیم. حملات دقیق و مداخله محدود شاید کامل به چند دهه «کشورسازی» و جنگ‌های ابدی ارجح باشد، خطرات خودش را هم دارد.

این بار، ایران چنان تحت تأثیر حملات اسرائیل بود که عمدتاً نتواند فراتر از حمله‌ای محدود، واکنشی به ایالات متحده نشان دهد. تصور کنید اگر توانسته بود با قدرتی غالب واکنش نشان دهد یا حتی اگر حمله محدودش خارج از کنترل عمل می‌کرد و سرباز آمریکایی می‌کشت چه می‌شد. یا تصور کنید اگر ترکیب حملات ایالات متحده به تأسیسات هسته‌ای با اقدامات اسرائیل، بر خلاف انتظار، به نتیجه می‌رسید که ایران را درگیر آشوب سیاسی کند. موج مهاجرت و آشوبی که بخش‌هایی از شمال آفریقا و خاورمیانه را پس از ماجراهای لیبی و عراق در بر گرفت، در مقایسه با آشوب سیاسی ناخواسته در ایران، کشوری با بیش از ۹۰ میلیون نفر جمعیت، چیز کوچکی به نظر می‌رسید.

شاید بدترین مشکل حملات دقیق جکسونی به این شکل این است که پیروزی ممکن است منجر به اعتمادبه‌نفس بیش از حد شود. خیلی راحت است که سیاست‌گذاران و افکار عمومی به یک مشکل با مشاهده موفقیت حملات نظامی، خواستار اقدامات بیشتر شوند. حملات ترامپ به ایران در فاکس‌نیوز و دیگر بخش‌های رسانه‌های محافظه‌کار در آمریکا با تمجید و تملق مواجه شد. یک سیاست‌گذار باید واقعاً منضبط و بر خود مسلط باشد که در مقابل ندهای وسوسه‌آمیز مداخله بیشتر در چنین فضایی، مقاومت کند. نیاز به گفتن هم نیست که «واقعاً منضبط و بر خود مسلط»، معمولاً عبارتی نیست که برای توصیف رئیس‌جمهور چهل‌هفتم یا برای پایگاه رأی جکسونی و پوپولیستش به کار برود.

در نتیجه، این خطر واقعی است که موفقیت ظاهری چند هفته اخیر، تصمیمات غلط در آینده را محتمل‌تر کند. بعدتر، وقتی کنگره و رسانه‌ها بخواهند خواستار اقدامات بیشتر شوند، ممکن است به راحتی به یاد رئیس‌جمهور بیایند که در مورد برنامه هسته‌ای ایران چقدر اقدام موفقی داشته است. رویکرد جکسونی ترامپ به او اجازه داده هم بر خلاف میل شاهین‌ها و هم بر خلاف میل کیوت‌ها عمل کند و محدوده میانه‌ای بین مداخله بی‌حساب و کتاب و خودداری بیاید. بسیار بعید است که هر بار موضوع همین قدر خوب پیش برود.

دیپلمات‌ها



از ایران و دیپلماسی حمایت می‌کنیم

وزیر امور خارجه چین در دیدار با همتای ایرانی، باتمجید از حسن‌نیت و رویکرد مسئولانه و هوشمندانه ایران در جلوگیری از تشدید تنش و درگیری در منطقه، بر موضع قاطع چین در حمایت از تمامیت سرزمینی و حاکمیت و امنیت ملی ایران تأکید کرد و تصریح نمود موضع اصولی چین مخالفت با رویکرد قلدر مآبانه و یک‌جانبه‌گرایی و توسل به زور و حمایت از دیپلماسی و گفت‌وگو برای حل و فصل مسائل و اختلافات است. وانگ‌بی در دیدار با سیدعباس عراقچی، استمرار تلاش‌ها و رابرتی‌های دوجانبه و چندجانبه جهت جلوگیری از تشدید تنش در منطقه را مورد تأکید قرار داد و آمادگی چین را برای هرگونه مساعدت در این زمینه در مجامع بین‌المللی به‌ویژه در سطح شورای امنیت سازمان ملل متحد اعلام کرد. وزیر امور خارجه در رأس یک هیئت رسمی برای شرکت در بیست و پنجمین نشست شورای وزیران سازمان همکاری شانگهای به چین سفر کرده است.



اروپا در ماشه همکاری می‌کند

مایکل والتز، گزینه دونالد ترامپ برای تصدی سمت سفیر و نمایندگی دائم آمریکا در سازمان ملل در نشست کنگره این کشور برای بررسی صلاحیتش ادعا کرد سازوکار ماشه علیه ایران در دسترس است و اروپا با آمریکا در این زمینه همکاری خواهد کرد. او گفت: «فعال‌سازی سازوکار ماشه یکی از اقدامات من در سازمان ملل خواهد بود و با آلمان، انگلیس و فرانسه گفت‌وگو کرده‌ایم و کاملاً مطمئن هستم آنها با آمریکا همکاری خواهند کرد.» گزینه ترامپ برای تصدی نمایندگی آمریکا در سازمان ملل همچنین مدعی شد: «ایران اگر بخواهد مانند متحد ما در امارات متحده عربی، توافق هسته‌ای موسوم به ۱۲۳ و برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای را داشته باشد و اورانیوم غنی‌شده را خریداری کند، فکر می‌کنم تا زمانی که خلاف آن اعلام نشود، چنین پیشنهادی کاملاً لای میز مذاکره است.» والتز تأکید کرد: «براساس نشست‌هایی که با تروئیکای اروپایی داشته‌ام، اطمینان کامل دارم که سازوکار ماشه فعال خواهد شد.»



محکومیت بازداشت اتباع ایران در آمریکا

علیرضا هاشمی‌رجاء، مدیرکل دبیرخانه شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور وزارت امور خارجه، اقدام غیرقانونی و خودسرانه دولت آمریکا در بازداشت گسترده اتباع ایرانی مقیم آمریکا و برخورد غیرانسانی با آن‌ها را قویاً محکوم کرد. هاشمی‌رجاء اظهار داشت: این اقدام آمریکا که متعاقب حمایت و دخالت این کشور در تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی علیه حاکمیت و تمامیت سرزمینی ایران صورت پذیرفته، آشکارا خلاف موازین و قواعد حقوقی بین‌المللی است. مدیرکل دبیرخانه شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور، با ابراز نگرانی جدی از اقدام دولت آمریکا، با استناد به کنوانسیون روابط کنسولی ۱۹۶۳ وین، تعهد دولت آمریکا برای تسهیل دسترسی کنسولی به اتباع ایرانی در کوتاه‌ترین زمان ممکن را یادآور شده و تصریح کرد: به‌رغم پیگیری‌های مکرر از سوی دفتر حفاظت منافع جمهوری اسلامی ایران در واشنگتن، تاکنون توضیحی قانع‌کننده درباره دلایل بازداشت این شهروندان ارائه نشده است.

